

بخش‌های نهادی در اقتصاد ایران و مقایسه با بخش‌های نهادی کشورهای مختلف شیوا کریمی* و شهاب اشرفزاده**

چکیده

پیشرفت‌های چشمگیر فناوری، نقش روزافزون ابزارها و نهادهای مالی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها و همچنین، تفاوت در سطوح اثرگذاری نهادهای مختلف اقتصادی در رشد ارزش افزوده از دلایل تفکیک ارزش افزوده بر حسب نهادهای اقتصادی است. نهادها موجب هدایت اطلاعات درباره شرایط بازار، کالاها و مشارکت کنندگان در بازار می‌شوند و جریان مناسب اطلاعات به بنگاه‌ها در شناسایی الگوها و فعالیت‌های پربازده و نیز ارزیابی اعتبار آنها کمک می‌کند. این اطلاعات همچنین به دولت‌ها برای تنظیم مقررات مناسب کمک می‌کنند و در نتیجه می‌توانند بر تولید، گردآوری، تحلیل، بازبینی و توزیع یا خودداری از توزیع اطلاعات و دانش برای مشارکت کنندگان در درون و میان جوامع و بازارها تأثیر بگذارند. بدین‌روی با بررسی حساب‌های کارکردی و نهادی نمایی از وضعیت اقتصادی به دست می‌آید که می‌تواند راهنمای موثری جهت تدوین برنامه‌های توسعه و سیاست‌گذاری اقتصادی محسوب شود. با توجه به اهمیت موضوع در این پژوهش رفتار هر یک از بخش‌های نهادی در اقتصاد کشور در دوره ۱۳۸۷-۱۳۹۵ تجزیه و تحلیل شده و با مقایسه سهم بخش‌های نهادی در اقتصاد با ۶ کشور توسعه یافته و ۶ کشور در حال توسعه و نیز ۲ کشور با اقتصاد نوظهور، پیشنهادهای لازم برای تدوین در برنامه‌های آتی کشور ارائه شده است.

واژگان کلیدی: بخش‌های نهادی، حساب‌های ملی، SNA.

طبقه‌بندی JEL: O5, G20, G01, E01

۱. مقدمه

ساختار اقتصادی هر جامعه، متشکل از مجموعه‌ای گسترده و متنوع از فعالیت‌ها و مبادلات اقتصادی است که در سطوح متفاوت و بین همه عوامل اقتصادی و طی زمان صورت می‌گیرد و نتیجه آن به شکل تغییر در ثروت، نمایان می‌شود. فهم عملکرد واقعی اقتصاد و شناخت تفصیلی اجزا و عوامل مؤثر بر آن، مستلزم در اختیار داشتن مجموعه‌ای جامع از اطلاعات و آمارهای اقتصادی است که به شکل نظام‌مند با عنوان حساب‌های اقتصادی، ارائه می‌شود. از تهیه این حساب‌ها، آمارهای اقتصادی استوار، هم‌سو با تحولات جهانی اقتصاد با قابلیت مقایسه‌پذیری در سطح بین‌المللی حاصل می‌شود. با بررسی حساب‌های اقتصادی کشور نمایی از وضعیت اقتصادی به دست می‌آید که می‌تواند راهنمای مؤثری برای تدوین برنامه‌های توسعه و سیاستگذاری اقتصادی محسوب شود.

پیشرفت‌های چشمگیر فناوری به صورت فناوری رایانه‌ای و نقش بی‌بدیل آن در پدیده انفجار اطلاعات، نقش روزافزون ابزارها و نهادهای مالی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها، ادغام بیش از پیش اقتصادهای ملی در اقتصاد جهانی از دلایل تفکیک نهادی ارزش‌افزوده به شمار می‌رود. حساب‌های ملی ممکن است در سطوح مختلف اقتصاد هر کشور یعنی در سطح بنگاه‌های اقتصادی، واحدهای نهادی، بخش‌های نهادی و یا در سطح کل اقتصاد تنظیم شود. بدین‌رو، در سیستم تدوین‌شده حساب‌های ملی سال ۱۹۹۳ و نیز نسخه تجدید نظرشده سال ۲۰۰۸ افزون بر اهمیتی که برای جنبه‌های «کارکردی» اقتصاد قائل شده است، در راستای تحولات نوین در محیط اقتصادی، پیشرفت‌های ایجادشده در روش پژوهش و نیازهای کاربران رویکرد «نهادی» را نیز مورد توجه قرار داده و بر تهیه حساب بخش‌های نهادی تأکید فراوان شده است.

در این نوشتار ابتدا مروری بر تعریف نهادها که مهم‌ترین هسته‌ی اقتصادی بوده و به‌طور مستقل قادر به تملک دارایی‌ها، تقبل بدهی‌ها و اشتغال به فعالیت‌های اقتصادی و تراکنش با سایر نهادها بوده و همچنین، دیدگاه‌های نهادی داشته و در ادامه سهم هر یک از نهادها در اقتصاد ایران و کشورهای مختلف به تصویر کشیده خواهد شد. در انتها نیز به بررسی ارتباط دوسویه بین بخش‌های اقتصادی و

نهادهای اقتصادی و نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی خواهیم پرداخت. هدف اصلی این پژوهش بررسی سهم نهادهای اقتصادی برخی از کشورهای دنیا و مقایسه آن با ایران بر اساس داده‌های سازمان ملل متحد^۱ (UN) است. از ۱۵ کشور مورد بررسی ۷ کشور در حال توسعه شامل ایران، مصر، ترکیه، مکزیک، آذربایجان، قطر و مراکش و ۶ کشور توسعه‌یافته آمریکا، ایتالیا، فرانسه، سوئیس، آلمان و انگلیس و ۲ کشور با اقتصاد نوظهور چین و هند تشکیل شده‌اند. گفتنی است که بسیاری از کشورهای دنیا آمارهای توالی حساب‌ها را ندارند، بنابراین، در انتخاب کشورهای یادشده محدودیت‌هایی وجود داشته است.

۲. نهاد چیست؟

یک تعریف قدیمی از نهاد که به تورستین ویبلن^۲ جامعه‌شناس و اقتصاددان آمریکایی قرن نوزدهم باز می‌گردد، این مفهوم را به‌طور کوتاه، «عادات تثبیت‌شده فکری و مشترک در بین عموم انسان‌ها که به مثابه هنجارهای هدایت‌کننده رفتار از مقبولیت عامه برخوردار شده‌اند»، معرفی می‌کند؛ اما عادت یا چارچوب فکری، که عنصر اساسی در چیستی و ماهیت نهاد است، دارای ابهام است. بی‌شک «عادت» چون برساخته از انسان‌هاست، در تعاملات اجتماعی کسب می‌شود و به‌طور ژنتیک قابل انتقال نیست، اما چرایی پیدایش و پرداخته‌شدن آنها توسط انسان‌ها و چگونگی این پردازش در حیات اجتماعی آنها، روشن نیست.

به عقیده نهادگرایان جدید مانند داگلاس نورث^۳ نهادها محدودیت‌های ساخت بشر هستند که تعاملات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را تنظیم و سازماندهی می‌کنند. آنها هر دو گروه محدودیت‌های غیررسمی (مانند تنبیه، هنجارهای فرهنگی و عقیدتی، سنت‌ها و آیین‌نامه رفتار کارکنان) و قوانین

1. www.un.org

2. Thorstein Veblen

3. Douglass-Cecil-North

رسمی (مانند قانون‌های اساسی، قوانین و حقوق مالکیت) را شامل می‌شوند. در طول تاریخ، «نهاد»ها توسط انسان‌ها به وجود آمده‌اند تا با ایجاد فرامین، نااطمینانی‌ها را کاهش دهند^۱.

در تعریف نورث هرچند به قوانین بازی، چارچوب‌های رفتاری، تعاملی توجه شده است، اما ارتباط قوانین رسمی و غیررسمی از جهت طبقه‌بندی، تأثیرگذاری به طور روشن بیان نشده است؛ از این رو ویلیامسون در تعریف خود از نهاد، با توجه کردن به سلسله‌مراتب عناصر نهادی، این کاستی را مرتفع نموده است؛^۲ وی تحلیل خود را از این عناصر در چهار سطح زیر ارائه کرده است:

- سطح یک: نهادهای غیررسمی، هنجارها، سنت‌ها، مذهب، ارزش‌های اخلاقی - اجتماعی، برخی جنبه‌های زبان و معرفت فردی - اجتماعی در این سطح قرار دارند. بی‌شک تغییرات در این سطح مستلزم تغییرات فرهنگی است؛ از این رو تحول در این سطح آهسته انجام می‌پذیرد.

- سطح دوم: محیط نهادی است که شامل قواعد رسمی بازی از قبیل قانون اساسی، حقوق مالکیت، و سایر قوانین عادی می‌شود؛ در واقع، براساس هنجارها، ارزش‌های اجتماعی، آداب و رسوم ایجادشده در سطح یک، قوانین و چارچوب‌های بازی وضع می‌شوند. بی‌شک هماهنگی قواعد بازی با عناصر سطح یک، مهم‌ترین عامل ماندگاری و تأثیرگذاری آنهاست. بدون تغییر در سطح یک، تغییر این قواعد، زمینه‌ساز بروز تضاد اجتماعی - فرهنگی است و اجرای آنها را با مشکل مواجه می‌نماید.

- سطح سوم: نهادهای حکمرانی و اعمال حاکمیت و تدبیر امور است. سازماندهی نظم در جامعه با اعمال مدیریت شکل می‌گیرد. در سایه این سازماندهی، تضادها کاهش یافته، منافع افراد به‌طور نسبی تضمین می‌شود. اهمیت اعمال مدیریت و ساختار حاکمیت بدین جهت است که به صورت کارکردی بر سطوح انگیزشی افراد جامعه تأثیر می‌گذارد. مجموعه قوانین عادی، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌هایی که برای اجرای قواعد بازی تنظیم می‌شوند، در این سطح قرار می‌گیرند.

۱. زمان‌زاده، (۱۳۸۸).

۲. آقا نظری، (۱۳۹۵).

- سطح چهارم: تخصیص منابع و اشتغال را زیر پوشش قرار می‌دهد. در این سطح، بنگاه به‌عنوان یک تابع تولید قرار می‌گیرد و قیمت‌ها، سازگاری انگیزش‌ها، پیش‌بینی انگیزه‌ها براساس «نظریه بنگاه» سازمان می‌یابد.^۱

سطح سوم و در برخی متون سطح دوم تحلیلی نهادها در چارچوب نظری «اقتصاد هزینه مبادله» قرار می‌گیرد. اقتصاد هزینه مبادله درصدد عملیاتی کردن مفهوم هزینه مبادله است. هزینه مبادله آن دسته از هزینه‌های پیش‌بینی نشده‌ای است که به علت عدم پای‌بندی یکی از طرفین مبادله به تعهداتش، بر طرف دیگر مبادله تحمیل می‌شود.^۲ به بیان دیگر هزینه مبادله، آن دسته از هزینه‌هایی است که افراد در فرآیند مبادله اقتصادی متحمل می‌شوند تا حقوق مالکیت خود را مشخص، تعریف و تضمین کنند. اقتصاد نهادگرایی نیز بیشتر با تحلیل سطح دوم و سوم نهادها سر و کار دارد و توسعه‌نیافتگی را بدلیل عدم کارکرد درست عوامل نهادی نظیر قوانین اقتصادی، نظام حقوقی و سیاست‌های دولت می‌داند که محیط اقتصادی کنش‌گران را شکل می‌دهند و در صورت ناکارایی، هزینه مبادله آنها را افزایش می‌دهند.

سطح چهارم تحلیل نهاد نیز با فعالیت‌های اقتصادی سر و کار دارد و به دنبال بهینه‌کردن شرایط نهایی است. اقتصاد نئوکلاسیک که در آن تعدیل مستمر قیمت‌ها و مقادیر شرایط نهایی را بهینه کرده و در بلندمدت بازارها را به تعادل می‌رسانند، در این مجموعه قرار می‌گیرند. اقتصاد نئوکلاسیک در بیشتر موارد عدم توسعه را نتیجه سوء تخصیص منابع ناشی از سیاست‌های اشتباه دولتی می‌داند. نظریات سنتی رشد نئوکلاسیک مانند هارود-دومار و سولو بر اهمیت نقش پسانداز تأکید می‌کنند و نظریات جدیدتر مانند الگوی رشد درونزا که رشد اقتصادی را نتیجه تعادل بلندمدت می‌دانند، علت اصلی تفاوت در سطوح درآمد سرانه و رشد اقتصادی را انباشت سرمایه انسانی، تحقیق و توسعه و آموزش و پرورش می‌دانند.

۱. همان مأخذ.

۲. رنانی. (۱۳۸۵).

۲-۱. واحدهای نهادی^۱ و بخش‌های نهادی^۲ از دیدگاه نظام حساب‌های اقتصادی

طبق تعریف نظام حساب‌های ملی ۲۰۰۸ هر واحد نهادی دارای یک موجودیت مستقل است که می‌تواند به‌طور مستقل مالک دارایی شود، بدهی تقبل کند، به فعالیت‌های اقتصادی اشتغال داشته باشد و با واحدهای نهادی دیگر تراکنش اقتصادی داشته باشد. هریک از نهادها به دلیل ویژگی‌های منحصر به فردشان به شیوه‌های متفاوتی اقتصاد را متأثر می‌سازند و با مطالعه رفتار آنها می‌توان مشاهده کرد که بخش‌های مختلف چگونه تحت تأثیر روند توسعه اقتصادی یا سنجه‌های سیاست اقتصادی و اجتماعی دولت قرار می‌گیرند و از آنها منتفع می‌شوند. واحد نهادی مطابق نظام حساب‌های ملی (SNA 2008) دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. به‌طور مستقل حق مالکیت کالا یا دارایی را دارد، ضمن آنکه از قابلیت مبادله کالاها و دارایی‌ها با واحدهای دیگر نهادی برخوردار است.
 ۲. قادر به تصمیم‌گیری اقتصادی و اشتغال به فعالیت‌های اقتصادی است و نسبت به آن مسئول بوده و در برابر قانون پاسخگو است.
 ۳. قادر است از طرف خود، بدهی متقبل شده یا الزامات یا تعهدات آینده را بپذیرد و در قراردادهای وارد شود.
 ۴. برای هر واحد نهادی مجموعه‌ای از حساب‌ها از جمله ترازنامه وجود داشته یا در صورت نیاز از نظر اقتصادی تهیه آنها ممکن و معنادار است.
- در دنیای واقعی دو نوع اصلی از واحدهایی که ویژگی‌های واحدهای نهادی را داشته باشند، وجود دارد؛ یک نوع از این واحدها خانوارها و نوع دیگر، واحدهای قانونی یا اجتماعی هستند. خانوار متشکل از گروه کوچکی از افراد است که دارای اقامتگاه زیستی یکسان بوده و با ادغام تمام یا قسمتی از درآمد و ثروت خود کالاها و خدماتی نظیر غذا و مسکن را به‌صورت جمعی مصرف می‌کنند. خانوارها مانند دولت نقش تولیدکننده و مصرف‌کننده را همزمان ایفا می‌کنند.

1. Institutional Units

2. Institutional Departments

نوع دوم واحد نهادی، موجودیت قانونی یا اجتماعی است که با استفاده از حقوق خود، به فعالیت اقتصادی اشتغال دارد، مانند یک شرکت،^۱ یک نهاد غیرانتفاعی^۲ یا یک واحد دولتی.^۳ وجود واحد قانونی یا اجتماعی توسط قانون یا جامعه و مستقل از اشخاص یا واحدهای دیگری که مالکیت یا کنترل آن را دارند، به رسمیت شناخته شده است.

واحدهای نهادی در نظام حساب‌های ملی در بخش‌های نهادی زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

۱. شرکت‌های غیر مالی،^۴

۲. شرکت‌های مالی،^۵

۳. دولت عمومی،^۶

۴. خانوار،^۷

۵. مؤسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوار،^۸

۶. دنیای خارج.^۹

بخش خانوار شامل تمام خانوارهای مقیم است^{۱۰} که شامل خانوارهای دسته‌جمعی نظیر بیمارستان‌ها، خانه سالمندان، زندان‌ها و مانند اینها بوده که در آن افراد برای مدت طولانی سکونت دارند. خانوارها ممکن است به هر نوع فعالیت اقتصادی اشتغال داشته باشند و لزوماً مصرف‌کننده صرف

-
1. Corporations
 2. Non-profit Organization
 3. Government Unit
 4. Non-Financial Corporation
 5. Financial Corporation
 6. General Government
 7. Household
 8. Non-Profit Institutions Serving Households (NPISHs)
 9. Rest of the World

۱۰. حساب‌های ملی ایران به تفکیک بخش‌های فعالیتی و نهادی اقتصاد. (۱۳۹۹).

نباشند. اعضای خانوارها چه از طریق فعالیت‌های تولیدی خود و چه از طریق عرضه نیروی کار به بنگاه‌های دیگر شرکتی و غیرشرکتی نقش مهمی را در تولید ایفا می‌کنند.

شرکت، مطابق با نظام حساب‌های ملی شرکت، شخصی حقوقی است که به‌منظور تولید کالاها و خدمات بازاری تشکیل شده و به‌دنبال سود یا منافع مالی دیگر بوده و به‌طور جمعی تحت مالکیت کنترل صاحبان سهام است. شرکت‌ها بسته به نوع فعالیت خود به شرکت‌های غیرمالی و مالی تفکیک می‌شوند که هریک از آنها به سه دسته شرکت‌های دولتی، خصوصی و شرکت‌های تحت کنترل خارجی قابل تقسیم هستند. بخش شرکت‌های مالی فعالیت‌های بانک مرکزی تا بانک‌های تجاری، مؤسسات اعتباری غیربانکی، شرکت‌های بیمه و بازنشستگی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، کارگزاران و واسطه‌گران اوراق بهادار و ارائه‌کنندگان انواع خدمات پوشش‌دهنده ریسک را دربر می‌گیرد. تمام شرکت‌هایی که نتوان آنها را بر حسب نوع فعالیت در این رده طبقه‌بندی کرد، به بخش شرکت‌های غیرمالی تعلق دارند^۱.

بخش دولت از واحدهای مرکزی (مانند وزارتخانه‌ها)، واحدهای استانی و محلی (مانند شهرداری-ها) و صندوق‌های تأمین اجتماعی که توسط دولت اداره می‌شوند، تشکیل شده است. بخش دولت در نظام حساب‌های ملی، مؤسسات غیرانتفاعی را که به تولید غیر بازاری اشتغال دارند و توسط واحدهای دولتی کنترل می‌شوند، شامل می‌شود.

مؤسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوار شامل گونه‌ای از مؤسسات است که کالاها و خدماتی را به‌طور رایگان یا به قیمت نازل در اختیار اعضای خود یا خانوارهای دیگر می‌گذارد، اما درآمد یا سود بین اعضا توزیع نمی‌کند و منابع اصلی آنها کمک‌های داوطلبانه است. گفتنی است که در بعضی از کشورهای مورد بررسی آمار این قسمت به‌طور جداگانه وجود ندارد، بنابراین، در جداول و نمودارها "خانوار و مؤسسات در خدمت خانوار" در یک دسته قرار گرفته‌اند^۲.

۱. همان مأخذ

۲. همان مأخذ

۳. سیستم حساب‌های ملی

آشنایی با توالی حساب‌های اقتصادی به دانش اقتصاددانان نظم بخشیده و درک آنها از مقولات اقتصادی را متحول می‌سازد و چشم‌اندازی از ارتباط زنجیره‌ای رفتارهای اقتصادی مختلف در یک سلسله عمودی و افقی ارائه می‌دهد. تحلیل عمودی یک توضیح نظام‌مند از مراحل مختلف فرایندهای اقتصادی را درباره بخش‌های نهادی ارائه می‌دهد. در تحلیل افقی بخش‌های نهادی بر حسب رفتار اقتصادی خود از یکدیگر متمایز می‌شوند.

در (۱۹۶۸) SNA، حساب‌های ملی فقط بر اساس فعالیت‌های اقتصادی قابل ارائه بود؛ ولی در سیستم حساب‌های ملی ۱۹۹۳ و همچنین ۲۰۰۸، افزون بر ارائه تفکیک جدید برای حساب‌های مختلف اقتصادی، طبقه‌بندی جدیدی نیز برای بخش‌های نهادی پیشنهاد شده است.

توالی حساب‌های اقتصادی برای نخستین بار در دستورالعمل سیستم حساب‌های ملی (SNA) در سال ۱۹۹۳ عنوان شد. سیستم جدید در عین حال که چارچوب‌های نظری سیستم پیشین را حفظ می‌کند، از ویژگی هماهنگی با سیستم‌های دیگر آماری مانند حساب تراز پرداختها (BOP)، آمارهای مالی دولت (GFS) و آمارهای پولی و بانکی (MFS) برخوردار است. تغییرات بین (۱۹۹۳) SNA و (۲۰۰۸) SNA دارای گستره کمتری از تغییراتی است که در ۱۹۹۳ نسبت به نسخه پیشین آن معرفی شده بود.

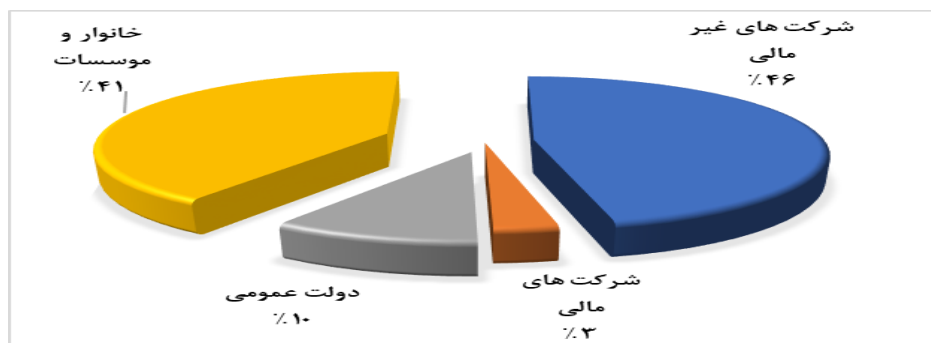
۴. سهم نهادها در اقتصاد

در این بخش به بررسی میانگین سهم نهادها در اقتصاد ایران در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ پرداخته می‌شود. نمودارها بر اساس قیمت‌های جاری و از اطلاعات سالانه منتشرشده توسط سازمان ملل استخراج شده است.^۱ نمودار زیر میانگین سهم هر یک از نهادها را در تولید ناخالص داخلی ایران در

۱. نمودارها با استفاده از داده‌های (2019). National Accounts Statistics: Analysis of Main Aggregates که توسط سازمان ملل و با استفاده از قیمت‌های جاری گزارش می‌شود، تهیه شده‌اند.

دوره یادشده نشان می‌دهد. در این بین، بیشترین سهم به شرکت‌های غیرمالی با ۴۶ درصد اختصاص دارد، خانوار و مؤسسات ۴۱ درصد و دولت عمومی و شرکت‌های مالی به ترتیب ۱۰ و ۳ درصد از تولید ناخالص داخلی را در اختیار دارند.

نمودار ۱. متوسط سهم نهادها از تولید ناخالص داخلی ایران در دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۶ (درصد)



مأخذ: MADT. (2019).

۴-۱. دولت عمومی

ابتدا درباره نقش حائز اهمیت دولت در اقتصاد و اندازه بهینه دولت در ارتباط با توسعه اقتصادی کشور و همچنین، تعدادی از مطالعاتی که تاکنون برای اندازه‌گیری دولت در ایران انجام شده، مروری داشته و سپس، روند سهم دولت در اقتصاد ایران در این دوره بررسی خواهد شد. در بخش پایانی نیز نقش دولت از منظر خدماتی که به جامعه ارائه می‌دهد و مقایسه آن میان کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته بررسی خواهد شد.

واحدهای دولتی انواع منحصر به فرد واحدهای قانونی ایجادشده از طریق فرایندهای سیاسی هستند که دارای اقتدار قانون‌گذاری، قضایی یا اجرایی در رابطه با واحدهای نهادی دیگر در یک

۱. ارقام جاری هستند و با استفاده از ارقام موجود در (2019). Main Aggregates and Detailed Tables سازمان ملل محاسبات انجام شده است. در این گزارش به دلیل محدودیت آماری برخی کشورها مانند مصر، هند و چین از داده‌های مشترک ۱۵ کشور مورد مقایسه در بازه زمانی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ استفاده شده است.

منطقه مشخص هستند.^۱ کارکردهای اصلی دولت به‌عنوان واحد نهادی، عبارت از به‌عهده گرفتن مسئولیت فراهم‌کردن کالاها و خدمات برای جامعه یا خانوارهای فردی و تأمین مالی تدارکات خود از محل مالیات یا درآمدهای دیگر، بازتوزیع درآمد و ثروت با ابزارهای انتقالات و اشتغال به تولید غیربازاری است. بررسی سال‌ها تجربه تاریخی درباره نسبت فعالیت دولت و بازار، نقش آنها و شکست‌های مرتبط با فعالیت‌های هر یک، نشان می‌دهد که دستیابی به مرزهای توسعه‌یافتگی بدون حضور و نقش فعال دولت امکان‌پذیر نیست.^۲

به هر حال، تجارب گذشته نشان می‌دهد، دولت و بازار هر دو به تنهایی، نهادهای دارای نقص بوده و هر یک با پدیده شکست آشنا هستند؛ بنابراین، می‌توان چنین استنباط نمود که حرکت در مسیر توسعه اقتصادی مستلزم فراهم ساختن شرایط و نیز نهادهایی است که به‌واسطه آنها دولت توسعه‌گرا، وظایف پشتیبانی و حاکمیتی خود را به صورت فعال به انجام رسانده و در عین حال بتواند زمینه تصحیح شکست‌های بازار را فراهم نماید.

در مورد اندازه مطلوب دولت بین مکاتب و دیدگاه‌های مختلف اقتصادی اتفاق نظر وجود ندارد. دولت‌ها را از نظر مداخله اقتصادی می‌توان در طیف گسترده‌ای دانست که از دولت کلاسیک آغاز و به دولت برنامه‌ریزی متمرکز ختم می‌شود. در میان این دو می‌توان به دولت قانون‌گذار، دولت رفاه، دولت سیاست‌گذار و دولت برنامه‌ریز بخشی اشاره کرد. با این حال، بیشتر اقتصاددانان نئوکلاسیک، بر لزوم ایجاد زیرساخت‌های لازم توسط دولت که شامل نهادهای حافظ حقوق مالکیت، سیاست‌گذاری، الزام به اجرای تعهدات و نظام با ثبات مالی است، برای عملکرد بهتر بازار تأکید می‌کنند و ارائه خدمات اصلی با پایه‌ای مبتنی بر نهادهای یادشده را که شامل تأمین امنیت و سطحی از رفاه اجتماعی است، ضروری می‌دانند.

۱. سیستم حساب‌های ملی ۲۰۰۸. (آذر ۱۳۹۴).

۲. اخباری و زیدی‌زاده. (۱۳۹۰).

در هر حال، پیچیدگی‌های مستتر در نقش نهاد دولت در اقتصاد و نتایج مختلط بسیاری از پژوهش‌ها درباره نقش دولت در رشد اقتصادی به دلیل برآیند نیروهای متضاد، بعضی پژوهشگران را بر آن داشت که به دنبال پیدا کردن سطح بهینه اندازه دولت در اقتصاد باشند. یکی از مدل‌هایی که در این راستا بسیار استفاده شده مبتنی بر فرض وجود یک رابطه U شکل معکوس بین اندازه دولت و رشد GDP است. در این رابطه، آرمی^۱ (۱۹۹۵) با اقتباس از منحنی لافر^۲ منحنی را ترسیم کرده است که نشان می‌دهد در صورت کاهش اندازه دولت و همچنین، زمانی که ترکیبی درست از تصمیم‌های دولتی و خصوصی در مورد تخصیص بهینه منابع وجود دارد، تولید افزایش می‌یابد. این ویژگی زمانی متصور است که دولت کوچک باشد. از این رو، مراحل اولیه رشد مخارج دولت، با افزایش سطوح درآمد و نرخ‌های مثبت رشد اقتصادی همراه است، اما با افزایش اندازه دولت، قانون بازده نزولی شروع می‌شود و افزایش مالیات‌ها و تعرفه‌ها برای تأمین مالی دولت‌ها، آثار معکوس بر ساختار اقتصادی جوامع خواهد داشت.

در اینجا به دلیل اجتناب از طولانی شدن بحث به ذکر چند نمونه از مطالعات انجام شده درباره ایران بسنده می‌شود. برای مثال اخباری و زیدی‌زاده (۱۳۹۰) با مدل آرمی و روش گشتاورهای تعمیم یافته برای دوره ۱۳۵۶ تا ۱۳۸۶ اندازه بهینه دولت را برای مخارج جاری ۱۶/۸۷ درصد و برای مخارج عمرانی ۸ درصد (تولید ناخالص داخلی) برآورد کردند. معلمی و دیگران (۱۳۹۳) با استفاده از مدل آرمی و روش خودتوضیحی برداری^۳ تأثیرات بودجه جاری و عمرانی ایران را برای دوره ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۶ بر روی شاخص رفاه اقتصادی^۴ اندازه‌گیری کردند. شاخص رفاه یاد شده ترکیبی موزون از جریان‌های مصرفی سرانه، انباشت ثروت، برابری و امنیت اقتصادی است. آنها چنین نتیجه گرفتند که در صورت وجود سهم ۲۰/۸ درصدی بودجه جاری و سهم ۵/۹ درصدی بودجه عمرانی از تولید

1. Armeý

2. Laffer

3. Vector Auto Regressive

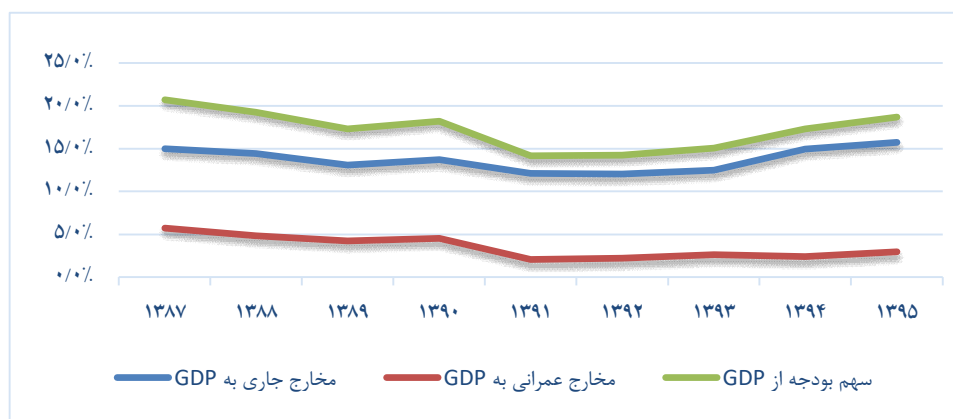
4. IEWB : <http://www.csls.ca/iwb.asp>

ناخالص داخلی، رفاه اقتصادی حداکثر خواهد شد. قلی‌زاده (۱۳۸۳) نیز با استفاده از الگوی بارو نسبت بهینه سهم دولت را ۲۳ درصد از تولید ناخالص داخلی برآورد کرده است.

پژوهش‌های انجام‌شده "اندازه بهینه مطلق برای دولت" را اعلام نمی‌کنند، بلکه "اندازه بهینه دولت" متغیری نسبی است که متناسب با شرایط اقتصادی، درجه توسعه‌یافتگی، نرخ تورم و بیکاری، دامنه و وسعت موارد شکست بازار و موارد دیگر تعیین خواهد شد. از این رو، در برخی کشورها ممکن است نرخ بهینه سهم دولت از تولید ناخالص داخلی بیشتر و در کشورهای دیگر کمتر برآورد شوند.^۱

همان‌طور که در نمودار زیر مشخص است، بیشترین سهم بودجه از تولید ناخالص داخلی در هشت سال مورد بررسی (۱۳۸۷ تا ۱۳۹۵) در سال ۱۳۸۷ اتفاق افتاده که ۲۱ درصد بوده و سهم مخارج عمرانی در این سال ۵ درصد بوده است. در سال ۱۳۹۵ مخارج جاری به ۱۵/۷ درصد و مخارج عمرانی به ۳ درصد کاهش پیدا کرده است.

نمودار ۲. سهم مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی جاری ایران در دوره ۱۳۸۷-۱۳۹۵ (درصد)



مأخذ: tsd.cbi.ir

۱. قلی‌زاده. (۱۳۸۳).

نمودار ۳، سهم بودجه از تولید ناخالص داخلی کشورهای مورد مطالعه را در دوره ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ نشان می‌دهد. همان‌طور که از نمودار پیداست، بیشترین سهم دولت از GDP مربوط به کشورهای توسعه‌یافته است و این نشان می‌دهد نقش دولت در مرحله توسعه اقتصادی، حفظ و رشد اقتصادی اهمیت فراوانی دارد. دولت در کشورهای توسعه‌یافته مورد بررسی به‌طور میانگین ۱۰ تا ۱۵ واحد درصد بیشتر از دولت در کشورهای در حال توسعه در تولید ناخالص داخلی سهم دارد. بیشترین سهم از آن کشور فرانسه با ۵۷ درصد و کمترین سهم نیز از آن آمریکا با ۳۶ درصد است. البته گفتنی‌ست که همواره کشورها اندازه دولت را در سطح بهینه انتخاب نمی‌کنند و این موضوع حتی در کشورهای توسعه‌یافته صنعتی نیز صادق است.

نمودار ۳. سهم بودجه دولت از تولید ناخالص داخلی در دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۶ (درصد)



مأخذ: IMF

بر اساس طبقه‌بندی رایج در نظام حساب‌های ملی نقش و سهم دولت، وظایف آن در اقتصاد شامل اداره امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی، خدمات بهداشتی، خدمات آموزشی و سایر خدمات است. بالابودن سطح خدمات رفاهی که برای عموم جامعه و در سطوح مختلف ارائه می‌شود، در بالابودن سهم دولت عمومی در اقتصادهای توسعه‌یافته تجلی پیدا می‌کند. این خدمات ارائه‌شده، ارزش‌افزوده

۱. مأخذ داده‌های نمودار: پایگاه داده صندوق بین‌المللی پول.

دولت را تشکیل می‌دهند. البته بخش کوچکی از بهداشت، آموزش و سایر خدمات توسط شرکت‌های غیرمالی نیز انجام می‌شود.

نمودار ۴. سهم ارزش‌افزوده دولت از ارزش‌افزوده اقتصاد در ایران در دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۶^۱ (درصد)



مأخذ: (2019) MADT.

از جمله خدماتی که بخش خصوصی در آنها فعال بوده و در عین حال همواره انگیزه برای سرمایه‌گذاری دولت در آن زمینه‌ها به دلیل بهبود تخصیص منابع وجود دارد، آموزش و بهداشت است. در مطالعات اقتصادی بهداشت و آموزش به‌عنوان جزئی از سرمایه انسانی در مدل‌های رشد^۲ وارد شده و آثار آنها بر رشد اقتصادی تحلیل و بررسی می‌شود. آموزش از طریق ارتقای سرمایه انسانی^۳ و افزایش مهارت و تخصص نیروی کار می‌تواند به ارتقای کارایی و تقویت توان و ظرفیت تولید و در نتیجه، رشد اقتصادی منجر شود.

خدمات بهداشتی نیز با کاهش نرخ مرگ و میر و افزایش امید به زندگی و ارتقای سلامت شهروندان موجب افزایش کمیت و کیفیت سرمایه انسانی می‌شود. افزون بر اینکه آموزش و بهداشت

۱. برابر با سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۵ هجری شمسی.

۲. رومر تئوری رشد نئوکلاسیکی را با افزودن اثرات جانبی دانش و آموزش به تابع تولید توسعه داد که این ایده به (Arrow, 1986) برمی‌گردد.

۳. گری بکر و شولتز.

نقش مستقیمی در رشد اقتصادی دارند، از آنها به‌عنوان اصلی‌ترین شاخص توسعه انسانی نیز یاد می‌شود. برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP)^۱ برای محاسبه شاخص توسعه انسانی (HDI)^۲ میزان دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی و همچنین، هزینه خدمات عمومی در این دو را در نظر می‌گیرد.

در بسیاری از کشورها دولت نقش اصلی در تأمین خدمات عمومی از جمله بهداشت و آموزش، امنیت و رفاه اجتماعی برای مردم خود دارد. یکی از ایرادهای دخالت دولت و سهم بالای آن در اقتصاد ناکارآمد بودن آن و محدود شدن فضا برای بخش خصوصی است؛^۳ اما در زمینه خدمات عمومی مانند بهداشت و درمان هزینه دولت در این حوزه‌ها مولد در نظر گرفته می‌شود و از آنجا که به‌صورت مستقیم بر بهبود سرمایه انسانی اثر می‌گذارد، بسیار تأثیرگذار است.

بخش اصلی خدمات در اقتصاد توسط دولت انجام می‌شود، این خدمات بیشتر شامل اداره امور عمومی، دفاع، آموزش و بهداشت هستند. در نمودار زیر خدمات عمومی دولت در این کشورها به تفکیک بخش دفاعی، آموزش و بهداشت بررسی شده است. در کشورهای توسعه‌یافته به دلیل ساختار سنی جمعیت، مخارج بهداشتی بالاتر از مخارج آموزشی بوده و این نسبت در کشورهای در حال توسعه برعکس است. در میان کشورهای در حال توسعه و کشورهای با اقتصاد نوظهور، کشورهای چین، ایران، مصر، ترکیه، مکزیک و مراکش سهم مخارج بهداشتی بالاتری از مخارج آموزشی دارند، با این حال کشورهای توسعه‌یافته در مجموع مخارج بیشتری را به آموزش و بهداشت اختصاص داده‌اند. بالابودن سطح خدمات رفاهی که برای عموم جامعه و در سطوح مختلف ارائه می‌شود در بالابودن سهم دولت در اقتصادهای توسعه‌یافته مؤثر است.^۴ یکی از موانع افزایش مخارج بهداشت و آموزش، کسری

1. United Nations Development Programme

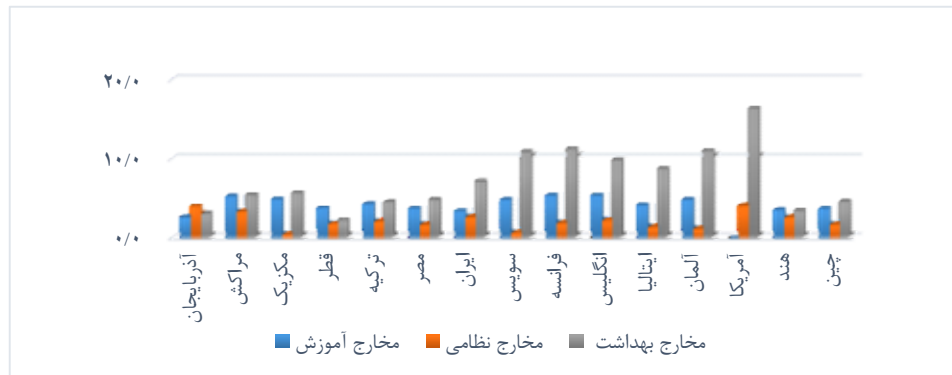
2. Human Development Index

۳. کیان‌پور. (۱۳۸۸).

۴. میرشجاعی. (۱۳۸۸).

بودجه ساختاری و عدم امکان دولت‌ها برای افزایش درآمد مالیاتی و محدودیت در استقراض از بازارهای مالی است.

نمودار ۵. متوسط نسبت مخارج نظامی، بهداشت و آموزش دولتی در تولید ناخالص داخلی کشورهای منتخب در دوره ۲۰۱۸-۲۰۰۸^۱ (درصد)



مأخذ: IMF

در کشور آمریکا حدود ۱۶/۴ درصد از GDP به خدمات بهداشت عمومی اختصاص دارد که بیشترین مقدار را در میان کشورهای مورد بررسی دارد. کمترین میزان به قطر با ۲/۳ درصد و سپس، آذربایجان با ۳/۱ درصد اختصاص دارد. خدمات آموزش عمومی در کشورهای فرانسه و انگلیس به میزان ۵/۴ درصد و سپس، مراکش با ۵/۳ درصد بیشترین درصد از GDP را در میان این کشورها دارند. بیشترین سهم مخارج نظامی را ایالات متحده با سهم ۴/۱ درصدی دارد و همان‌گونه که در نمودار بالا مشاهده می‌شود، ایران پس از ایالات متحده از کشورهای دیگر توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته درصد بیشتری از تولید ناخالص داخلی خود را به امور دفاعی^۲ اختصاص می‌دهد.

۱. صندوق بین‌المللی پول.

۲. این نسبت از تقسیم هزینه مصرف نهایی دولت در بخش دفاعی به قیمت جاری به هزینه ناخالص داخلی به قیمت بازار به‌دست آمده است.

در زمینه بهداشت هرچه میزان مرگ و میر بالاتر و امید به زندگی در کشوری پایین‌تر باشد، تخصیص منابع به امور بهداشتی تأثیر بیشتری بر توسعه اقتصادی و مطلوبیت اجتماعی خواهد داشت.^۱ بر پایه یافته‌های پژوهش‌های انجام‌شده، نسبت بهینه خدمات دولتی در زمینه بهداشت ۵ تا ۷ درصد تولید ناخالص داخلی است. در ایران سهم خدمات عمومی بهداشت و سهم خدمات عمومی آموزشی از تولید ناخالص داخلی افزایش یافته است،^۲ همچنین، خوشبختانه سهم خدمات بهداشتی ایران در میان کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور بالاتر بوده است. شایان ذکر است که این رقم در کشورمان در دوره مورد بررسی از ۵/۲ درصد در سال ۱۳۸۷ به ۸/۸ درصد در سال ۱۳۹۵ ارتقا یافته است. افزایش تعداد بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، توسعه بهداشتی، افزایش امید به زندگی و کسب رتبه نخست تولید دارو در سطح منطقه، تولید ۹۷ درصد از داروهای مورد نیاز و صادرات دارو از جمله داروهای بیوتکنولوژی، خودکفایی در ساخت انواع واکسن، ریشه‌کنی فلج اطفال و بیماری‌های دیگر فراگیر، پوشش واکسیناسیون از ۳۰ درصد به ۱۰۰ درصد،^۳ افزایش تعداد بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، توسعه بهداشتی کشور و موفقیت در اولویت به پیشگیری بر درمان و در نهایت افزایش امید به زندگی، کاهش مرگ و میر کودکان زیر یک سال و کاهش مرگ و میر مادران، رشد تعداد پزشکان و متخصصان حوزه سلامت و رشد دانشگاه‌های علوم پزشکی، ارتقای تجهیزات پزشکی و درمانی^۴ از جمله دلایل مهم این موضوع است.

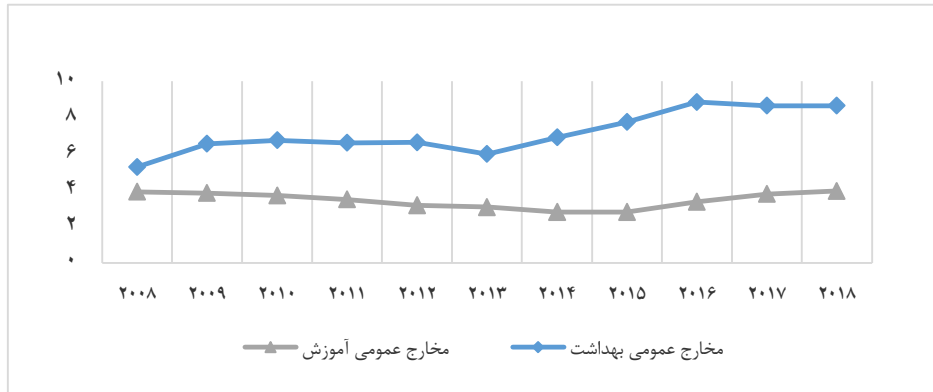
۱. امین رشتی و اصغری. (۱۳۹۰).

۲. همان.

3. www.irdc.ir

۴. محمدی و زارعی. (۱۳۹۲).

نمودار ۶. روند سهم مخارج عمومی بهداشت و آموزش از تولید ناخالص داخلی ایران
در دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۸^۱ (درصد)



مأخذ: IMF

۲-۴. شرکت‌ها و خانوارها

بخش شرکتی در هر اقتصادی عامل اصلی توسعه در آن اقتصاد است.^۲ در طول تاریخ به تدریج شرکت‌ها جایگزین افراد در تولید کالاها و ارائه خدمات شده‌اند. استفاده از شرکت تجاری به جای فعالیت فردی متضمن مزایایی است که فعالیت فردی آن را در بر ندارد، مزایایی مانند فراهم شدن سرمایه بیشتر و تجمع تخصص‌هایی گوناگون برای دستیابی به هدفی واحد و به‌ویژه محدودیت مسئولیت فعالان تجاری. شرکت‌ها معمولاً دسترسی بیشتری به تأمین مالی دارند و در مقیاس بزرگتری می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند، آنها می‌توانند از صرفه‌های مقیاس استفاده کنند و حتی تکنولوژی مورد نیاز خود را توسعه دهند.

از زمان انقلاب صنعتی کشورهای توسعه‌یافته نیاز به قالب جدیدی از فعالیت تجاری را درک کردند و در نتیجه، نهاد شرکت‌ها متولد شد و به مرور زمان از شرکت‌های نسبی و تضامنی تا

۱. National Accounts Statistics: Analysis of Main Aggregates. (2019).

۲. میرشجاعی. (۱۳۸۸).

شرکت‌های سهامی عام امروزی تکامل یافت. امروزه، سرمایه‌داری صنعتی در شکل کاملاً رشدیافته خود دارای ویژگی‌های شاخصی مانند «شرکت سهامی عام با مسؤولیت محدود، نظارت مدیران متخصص در سطحی بالا، تقسیم کار و استفاده وسیع از پول (یا منابع مالی)» است. عناصر اول و آخر مسؤولیت محدود، مالکیت با مبنای وسیع و استفاده وسیع از پول - کلید شناخت شرکت‌های بزرگ صنعتی موجود در بسیاری از کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته است. در چنین ساختاری، خطر کردن افراد به حداقل می‌رسد.

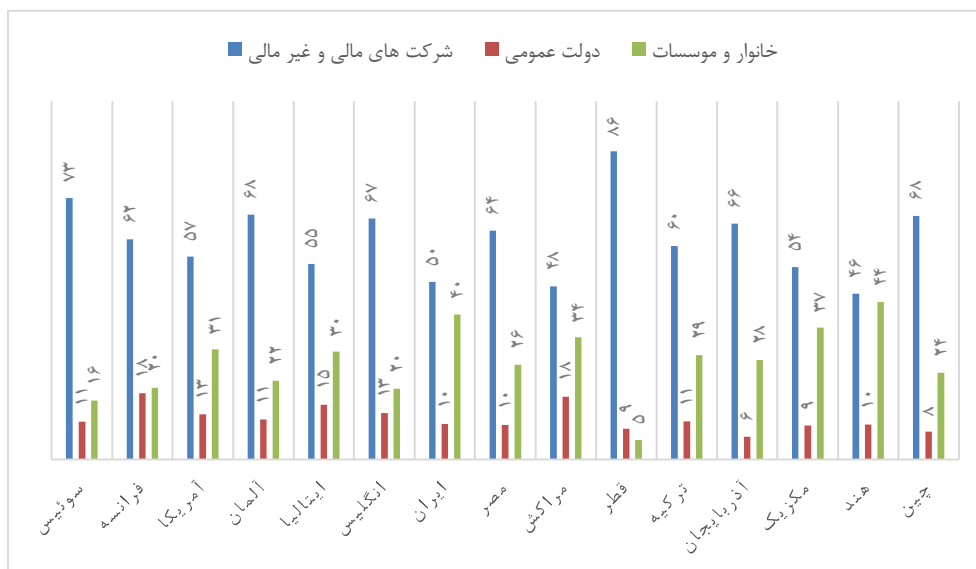
در کشورهای غربی، شرکت‌های سهامی، «به‌عنوان ابزار تحسین برانگیزی که نظام سرمایه‌داری خلق کرده است»، توصیف می‌شود.^۱ در واقع، شرکت‌های یادشده در پایان قرن نوزدهم به فتح تمام بخش‌های صنعت و تجارت نایل شدند. آنها از خصوصی‌سازی فعالیت‌های دولتی بهره جسته و راه‌آهن، معادن، انرژی هیدروالکتریک، برق و گازرسانی را به اختیار گرفتند. در بخش خصوصی و آزاد نیز، بانک‌داری، بیمه و صنایع بزرگ، حمل و نقل دریایی، رودخانه‌ای و هوایی، فروشگاه‌های بزرگ و انبارها، تئاتر، هتل‌داری، روزنامه و انتشارات تحت سیطره نظام شرکت‌های سهامی درآمدند. فقط در این میان کشاورزی تا حدودی مصون ماند. این اولویت و برتری شرکت‌های سهامی نشانه شاخص دنیای نو و مدرن است.

شرکت‌ها برخلاف دولت و خانوار تنها در نقش تولیدکننده و نه مصرف‌کننده ظاهر شده و معمولاً سهم بزرگتری در ارزش‌افزوده کل اقتصاد دارند. از این رو و به دلیل مزایای آنها، دولت‌ها برای رشد و توسعه هرچه بیشتر اقتصاد سعی می‌کنند فضای کسب و کار شرکت‌ها را با انجام اصلاحات و ارائه مشوق‌ها، رقابت‌پذیرتر و مناسب‌تر کنند.

در هر حال می‌توان انتظار داشت که در کشورهای توسعه‌یافته سهم بخش شرکتی از اقتصاد بزرگتر باشد. نمودار زیر سهم شرکت‌ها، خانوار و دولت عمومی را از تولید ناخالص داخلی ایران و برخی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور نشان می‌دهد.

۱. همان مأخذ

نمودار ۷. سهم خانوار، دولت و شرکت‌ها از تولید ناخالص داخلی در دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۶ (درصد)



مأخذ: (MADT, 2019)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، کشورهای توسعه‌یافته سوئیس و آلمان به ترتیب با ۷۳ و ۶۸ درصد بزرگ‌ترین بخش شرکتی را دارند. از میان کشورهای در حال توسعه، قطر و آذربایجان به دلیل بزرگ‌بودن بخش شرکتی مرتبط با حوزه نفت و گاز با ۸۶ و ۶۶ درصد و همچنین، چین در میان اقتصادهای نوظهور با ۶۸ درصد بیشترین سهم بخش شرکتی را در تولید دارند. گفتنی است که در کشور چین مشوق‌های معافیت مالیاتی که برای صادرات قابل شده‌اند، در به‌دست آوردن این سهم نقش به‌سزایی داشته است.^۲ در این میان، بین اقتصادهای نوظهور هند و چین، نبرد سنگینی بر سر سهم از شرکت‌ها در تولید جهانی در جریان است. دولت مرکزی هند در یک اقدام محرک مهم برای

۱. داده‌ها از داده‌های سازمان ملل است. همچنین، منظور از خانوار و مؤسسات، خانوارها و مؤسسات در خدمت خانوار (Households and NPISH) است.

۲. هوشمند گهر. (۱۴۰۱).

تولیدکنندگان داخلی، مالیات شرکت‌ها را در سال ۲۰۱۹ به ۲۵/۱۷ درصد کاهش داد. مالیات برای تولیدکنندگان جدید نیز به ۱۷ درصد کاهش یافت که این پایین‌ترین رقم در جنوب شرقی آسیا بود اما این سیاست هم‌اکنون مورد بازنگری قرار گرفته است.

هند با نرخ پایین مالیات و راه‌اندازی مالیات کالا و خدمات (GST)^۱ امیدوار است که سرمایه‌گذاری عظیم خارجی در بخش تولیدی جذب کند. این کشور اکنون تمرکز خود را بر کاهش هزینه تولید قرار داده است. هند به علت بازار بزرگ خود به‌طور کلی به‌عنوان یک مقصد جذاب شناخته می‌شود، همچنین، این کشور قطب عمده‌ی صادرات در منطقه بوده و به همین علت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در هند در چند سال گذشته به رقم ۸۳/۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ بوده است.^۲

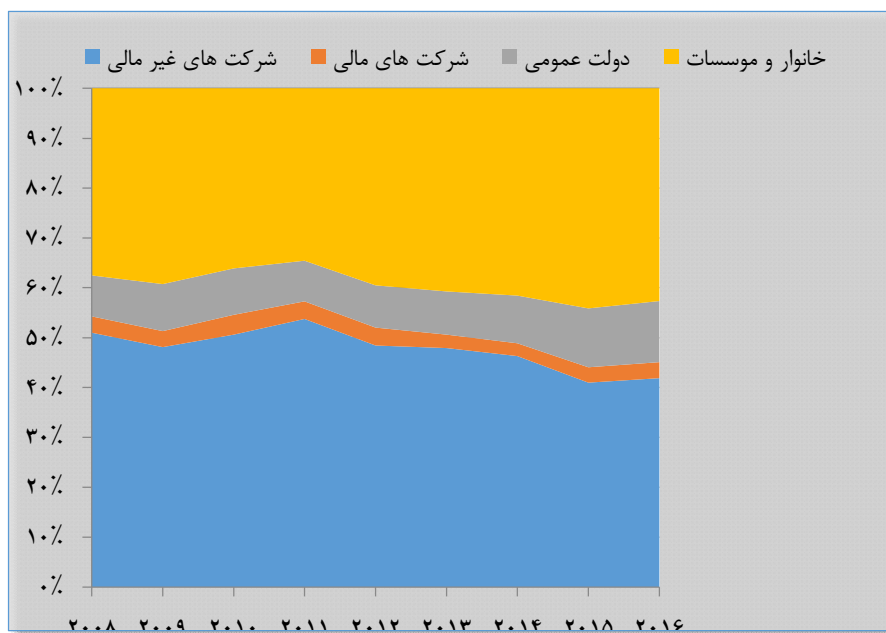
در آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد جهان در دوره مورد بررسی (۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶) تنها ۵۷ درصد از تولید ناخالص داخلی توسط شرکت‌ها به‌دست می‌آید. بر اساس برخی مطالعات انجام‌شده در این کشور که بیشترین نرخ مالیات شرکت‌ها در جهان را دارد، شرکت‌ها به مرور در طول ۳۰ سال گذشته در حال تبدیل‌شدن به کسب و کارهای شراکتی خانوادگی هستند که مالیات آنها با عنوان مالیات بر درآمد مالک آن کسب کار پرداخت شده و نرخ کمتری دارد. به‌طور متوسط سالانه ۶۰ هزار شرکت در این کشور منحل می‌شوند. این اتفاق به‌همراه پیامدهای رکود اقتصادی اخیر به این منجر شده است تا آن بخش از بنگاه‌های غیرشرکتی که توسط خانوار اداره می‌شود، رشد بیشتری نسبت به شرکت‌ها داشته باشد.

۱. Goods and Service Tax، مالیات کالا و خدمات GST، مالیاتی است که مشتریان هنگام خرید کالاها یا خدمات از جمله مواد غذایی، لباس، اقلام نیازهای روزانه و حمل‌ونقل باید آن را بپردازند. در واقع، نوعی مالیات غیرمستقیم است، یعنی این مالیات به‌طور مستقیم توسط مشتری و مصرف‌کننده به دولت پرداخت نمی‌شود، بلکه مالیات آن بر تولیدکننده یا کالاهای فروشنده و ارائه‌دهندگان خدمات قرار می‌گیرد. فروشنندگان معمولاً هزینه مالیات را به هزینه‌های خود اضافه می‌کنند و قیمتی که مشتریان می‌پردازند شامل GST است؛ بنابراین در بیشتر موارد، شما حتی اگر اهل مالیات بر درآمد نباشید، به‌اجبار باید به این مالیات به کالا تن دهید.

۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران. (مهر ۱۴۰۱).

و سرانجام در ایران در ۸ سال مورد بررسی (۱۳۸۷ تا ۱۳۹۵) به‌طور متوسط سهم خانوار از تولید ناخالص داخلی ۴۰ درصد و سهم شرکت‌ها ۴۹ درصد بوده است. هرچند بخش قابل توجهی از این سهم را نیز شرکت نفت و شرکت‌های دولتی بزرگ به‌خود اختصاص داده‌اند. سهم شرکت‌ها از مجموع سه بخش شرکت‌های غیرمالی، مالی و نفت و گاز به‌دست آمده است. سهم شرکت‌های زیرمجموعه بخش نفت و گاز در مجموع ۱۵ درصد بوده است. اگر بخش نفت و شرکت‌های دولتی را نادیده بگیریم، میزان سهم شرکت‌ها از ارزش‌افزوده تولید کشور از مقدار فعلی نیز کمتر خواهد شد. مطابق نمودار ۸، در طول این ۸ سال نوساناتی در سهم خانوار و شرکت‌ها از تولید ناخالص داخلی مشاهده می‌شود که برآیند آن کاهش ناچیز سهم شرکت‌ها و افزایش سهم خانوار بوده است. در سال ۲۰۱۱ که درآمد نفت در اوج خود قرار داشت، سهم شرکت‌ها به بیشترین مقدار خود یعنی ۵۷/۲ درصد رسید که پس از تحریم‌ها و در سال ۲۰۱۶ این عدد به ۴۵/۱ درصد کاهش یافته است.

نمودار ۸. روند سهم نهادها از تولید ناخالص داخلی ایران در دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۶



مأخذ: MADT. (2019).

در کنار کاهش سهم شرکت‌ها در این ۸ سال که دلیل اصلی آن تحریم‌ها و کاهش فروش نفت بوده است، در نمودار ۷ نیز ملاحظه می‌شود که سهم بخش شرکتی در اقتصاد ایران، با وجود آنکه از عمر صنعتی شدن آن به‌ویژه ورود به صنایع سنگین چندین دهه می‌گذرد، نسبت به کشورهای دیگر نیز -البته بجز هند که پیشتر ذکر آن رفت- کمتر است. در ایران سهم خانوار از تولید ناخالص داخلی بیشتر مربوط به تولیدات کشاورزی و ماهی‌گیری و بخش خدمات است. در دوره مورد بررسی (۱۳۸۷ تا ۱۳۹۵) ۸۲ درصد از ارزش‌افزوده بخش کشاورزی و ۴۹ درصد ارزش‌افزوده خدمات توسط خانوار تولید می‌شود. اصلی‌ترین فعالیت خدماتی که خانوارها نقش بیشتری در آن دارند، شامل خدمات خرده‌فروشی و عمده‌فروشی، خدمات مستغلات و حمل و نقل هستند که با توجه به ساختار حاکم بر نظام توزیع کالا و حمل و نقل بیشتر فعالیت‌های این بخش توسط خانوارها انجام می‌شود.

پایین بودن سهم شرکت‌ها و ضعف آشکار این بخش در اقتصاد در کنار نقش لازم بخش شرکتی در توسعه اقتصادی کشور نشان‌دهنده آسیب‌های نهفته بسیار در نظام اقتصادی کشور است. این آسیب‌ها را از جنبه‌های اقتصادی، نهادی و ساختاری می‌توان بررسی کرد.

در اقتصاد ایران عملکرد نهادهای رسمی و غیررسمی حاکم به‌گونه‌ای بوده است که همواره ترس از شراکت و همکاری در میان مردم رواج داشته و مردم برای گریز از ضرر و زیان حاصل از این بی‌اعتمادی ترجیح می‌دهند فعالیت‌های اقتصادی‌شان را در محافل دوستان و آشنایان خود به انجام برسانند و احتمالاً این عامل موجب گسترش‌نیافتن و افول شرکت‌های اقتصادی در ایران شده است. نااطمینانی از شرایط اقتصادی آینده و نبود سازوکار مناسب برای نظارت بر اجرای قراردادهای سازوکار حل اختلاف این بی‌اعتمادی را تشدید می‌کند.

به‌یقین، آثار اقتصادی تحریم‌ها و انزوای بین‌المللی طولانی مدت بر هیچ‌کس پوشیده نیست. انزوای اقتصادی از ورود دانش فنی و سرمایه خارجی جلوگیری می‌کند، هزینه تولید را افزایش می‌دهد و فرصت‌های صادراتی را از بین می‌برد.

و سرانجام شاید مهم‌ترین دلیل عدم توسعه بخش شرکتی در اقتصاد ایران را باید در عوامل نهادی جستجو کرد، عواملی که همان‌طور که پیشتر نیز بیان شد، هزینه‌های پیش‌بینی نشده‌ای را به

فعالان اقتصادی تحمیل می‌کند. دیر زمان‌یست که مواردی از قبیل قوانین دست و پاگیر، غیرشفاف و فرایندهای طولانی و پر دردسر کسب مجوز، ثبت شرکت تا شروع فعالیت اقتصادی مورد توجه سیاستگذار (به‌عنوان مثال، در بسته سیاستی "تشویق و مانع‌زدایی تولید"^۱) بوده است؛ اما مهم‌تر از قانون‌گذاری اجرای درست و عادلانه قوانین و مقررات و نظارت کافی بر اجرای آن است.

برای بررسی کمی و مقایسه کشورها به لحاظ ساختارهای نهادی پیش‌گفته می‌توان به شاخص‌های مطرح‌شده در این زمینه رجوع کرد. برای مثال در سه شاخص "کیفیت قوانین"، "کنترل فساد" و "حاکمیت قانون" از سری شاخص‌های کافمن^۲ که توسط بانک جهانی منتشر می‌شود، کشور ایران به‌طور میانگین عملکرد ضعیف‌تری از همه کشورهای مورد بررسی در این مقاله در دوره زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۱ داشته است. مؤسسه پژوهشی لگاتوم^۳ که پیرامون اندازه‌گیری شاخص رفاه در کشورهای مختلف است نیز با استفاده از کمی‌سازی ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی میزان رفاه و توسعه را در کشورها می‌سنجد، جایگاه ایران را در سال ۲۰۲۳ در زمینه "شرایط کسب و کار"^۴ و "محیط سرمایه‌گذاری"^۵ به ترتیب در رتبه ۱۶۲ و ۱۲۹ ام کشورهای جهان قرار داده است.

۳-۴. شرکت‌های مالی

در نمودار ۹، متوسط سهم بخش مالی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در طول ۸ سال (۲۰۱۶-۲۰۰۸) نشان داده شده است. در بین این کشورها سوئیس با ۱۰/۲ درصد بیشترین سهم بخش مالی از GDP را دارد. در بین کشورهای در حال توسعه نیز قطر با ۶ درصد دارای بخش مالی نسبتاً بزرگی است. پس از قطر کشور مراکش و مصر با ۵ درصد بزرگترین بخش شرکت‌های مالی را

۱. در سال ۱۴۰۰ تصویب شد و تمرکز این بسته بر پنج حوزه "تأمین مالی"، "مالیات"، "تأمین اجتماعی"، "زیرساخت‌های تولید" و "کسب و کار" است.

2. Kauffman

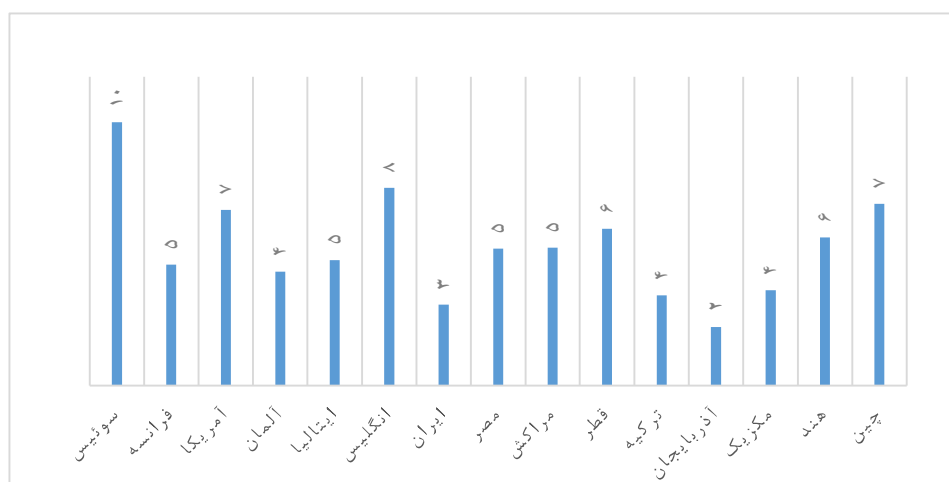
3. Legatum Prosperity Index

4. Business Conditions

5. Investment Environment

دارند. در کشور ایران سهم ارزش‌افزوده بخش مالی در این دوره از تولید ناخالص داخلی، ۳ درصد است. به‌نظر می‌رسد در کشورمان بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به‌دلیل اعمال سیاست‌های دستوری و تکلیفی مانند نرخ دستوری سود تسهیلات و سود سپرده‌ها و تسهیلات اعطایی تکلیفی دچار ناکارآمدی هستند، همچنین، عدم رعایت بهداشت اعتباری و مقررات دیگر احتیاطی به افول نسبت کفایت سرمایه در بیشتر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری کشور منجر شده است.

نمودار ۹. متوسط نسبت ارزش‌افزوده شرکت‌های مالی به GDP در دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۶ (درصد)



مأخذ: MADT (2019)

۵. روابط متقابل نهادها و بخش‌های اقتصادی

در ادامه مباحث پیشین برای ارائه تصویر دقیق‌تر از رابطه بخش‌های اقتصادی با نهادهای اقتصاد کشور، جدول متقاطع رابطه بخش‌های اقتصادی نهادها تنظیم شده است تا از این طریق بتوان رابطه و اهمیت نقش نهادها در سیاست‌گذاری اقتصادی را تبیین کرد. جدول زیر نشان می‌دهد که هرکدام از بخش‌های اقتصادی چه میزان در ارزش‌افزوده نهادها نقش داشته‌اند.

جدول ۱. نسبت سهم بخش‌ها در ارزش‌افزوده نهادهای اقتصاد ایران در دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۶ (درصد)

بخش / نهاد	کشاورزی	نفت	صنعت	خدمات	جمع	سهم نهاد از کل ارزش‌افزوده
خانوار	۱۹	۰	۱۳	۶۸	۱۰۰	۳۹
دولت	۰	۰	۰	۱۰۰	۱۰۰	۹
نفت	۰	۱۰۰	۰	۰	۱۰۰	۱۵
غیر مالی	۴	۰	۵۴	۴۱	۱۰۰	۳۶
مالی	۰	۰	۰	۱۰۰	۱۰۰	۳

مأخذ: حساب‌های ملی ایران.

چنانچه مشاهده می‌شود، بخش قابل ملاحظه‌ای از ارزش‌افزوده کل، توسط نهاد خانوار تولید می‌شود. نهاد خانوار با تولید حدود ۴۰ درصد از ارزش‌افزوده، نقش مسلطی بر عملکرد اقتصاد کشور دارد. در طول سال‌های مورد بررسی (۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶) نهاد خانوار تسلط خود را بر مقدار تولید همواره حفظ کرده است. نکته با اهمیت در ارزش‌افزوده نهاد خانوار سهم بخش خدمات با ۶۸ درصد و پس از آن به ترتیب بخش کشاورزی و صنعت با ۱۹ و ۱۳ درصد است که ارتباط ارزش‌افزوده نهاد خانوار به بخش خدمات و پس از آن به بخش کشاورزی و صنعت را نشان می‌دهد. گفتنی است که از کل ارزش‌افزوده نهاد شرکت‌های غیرمالی حدود ۵۴ درصد در بخش صنعت، ۴۱ درصد در بخش خدمات و ۴ درصد در بخش کشاورزی بوده که نشان‌دهنده ارتباط نهاد شرکت‌های غیرمالی به بخش صنعت و پس از آن به بخش خدمات است.

حال، برای تبیین روابط دوسویه نهادها با بخش‌های اقتصادی جدول نسبت سهم نهادها در بخش‌های مختلف اقتصادی ارائه می‌شود:

جدول ۲. سهم نهادها از ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی ایران در دوره ۲۰۱۶-۲۰۰۸^۱ (درصد)

نهاد/بخش	کشاورزی	نفت	صنعت	خدمات
خانوار	۸۲	۰	۲۰	۴۹
دولت	۰	۰	۰	۱۸
نفت	۰	۱۰۰	۰	۰
غیر مالی	۱۸	۰	۸۰	۲۸
مالی	۰	۰	۰	۶
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
سهم بخش اقتصادی از کل	۹	۱۵	۲۴	۵۲

مأخذ: حساب‌های ملی ایران.

با مشاهده جدول بالا و سهم بخش خدمات، صنعت و کشاورزی ملاحظه می‌شود که از سویی بخش خدمات با ۵۲ درصد، بیشترین سهم را در تولید ناخالص داخلی کشور و پس از آن بخش صنعت با ۲۴ درصد در جایگاه بعدی است و از سوی دیگر، ۲۸ درصد از ارزش افزوده بخش خدمات به شرکت غیرمالی مرتبط بوده، در حالی که بخش صنعت ۸۰ درصد به نهاد شرکت غیرمالی مرتبط است، بنابراین، رابطه صنعت و شرکت غیرمالی یک رابطه دوسویه است.

با توجه به بالابودن سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی کشور تحولات اقتصادی مبتنی بر بخش خدمات فرصت‌های جدیدی مانند مقیاس^۲، نوآوری^۳ و اثرات سرریز^۴ مشابه با مواردی است که تولید را در گذشته مولدتر می‌کرد. بخش خدمات به‌ویژه بر پایه فناوری‌های نوین از نظر ایجاد دسترسی، حذف موانع و کاهش هزینه‌های مبادلات، امکان ارائه خدمات محلی را در ابعاد کشوری و حتی جهانی مهیا نموده و به‌ویژه با ایجاد امکان پیوند بین بازارها به توسعه بازارها، اشتغال و درآمد

۱. از قیمت‌های جاری و ثابت سال پایه ۱۳۹۰ استفاده شده است.

2. Scale
3. Innovation
4. Spillover effects

کمک می‌کند. به‌عنوان مثال، پیوند بازار املاک، اجاره و گردشگری در قالب مدل‌های ^۱ " Time Sharing" امکان توسعه گردشگری، استفاده بهینه‌تر از منابع و امکانات در قالب طرح‌های بوم‌گردی را فراهم کرده است.

بر اساس اطلاعات جدول بالا مشاهده می‌شود که سهم نهاد خانوار در بخش خدمات کشور ۴۹ درصد بوده که نشان‌دهنده نقش چشمگیر این نهاد در سهم ارزش‌افزوده این بخش اقتصادی است. همچنین، از جدول ۱ به یاد داریم که ۶۸ درصد ارزش‌افزوده نهاد خانوار نیز با بخش خدمات مرتبط است و این موضوع بیانگر ارتباط دوسویه این نهاد و بخش خدمات است.

۶. نتیجه‌گیری و ارائه توصیه‌های سیاستی

- تلاش دولت برای افزایش سهم بخش شرکتی به رشد و بالندگی اقتصادی کمک شایانی خواهد کرد. به‌نظر می‌رسد وجود عواملی نظیر دسترسی بهتر به بازارهای سرمایه و تأمین مالی، امکان استفاده از صرفه‌های ناشی از مقیاس تولید، کاهش قیمت تمام‌شده محصول، افزایش سطح رقابت‌پذیری بنگاه‌ها و امکان ورود به عرصه‌های تولید جهانی از مزایای افزایش سهم شرکتی اقتصاد به‌شمار می‌رود. ضمن این‌که الزام واحدهای تولیدی به فعالیت در قالب شرکت‌ها امر حساسی و نظارت و همچنین، به‌کارگیری ابزارهای مالیاتی را نیز ممکن می‌سازد. از این‌رو سیاست‌گذاری باید در جهت آماده‌سازی محیط فعالیت برای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی شرکتی و کاهش ناطمینانی‌ها از طریق احترام به حقوق مالکیت و افزایش هزینه نقض پیمان‌ها و قراردادهای، ایجاد حاکمیت قانون، بهبود کیفی قوانین ناظر بر محیط اقتصادی و کاهش فساد باشد.
- با آگاهی از ارتباط دوسویه نهاد خانوار با بخش خدمات و به دنبال آن، تأثیرپذیری/تأثیرگذاری نهاد خانوار از/در بخش خدمات، سیاست‌گذار اقتصادی می‌بایست در برنامه‌ها و راهبردهای خود این ملاحظه مهم را در نظر بگیرد، به‌ویژه توسعه و به‌کارگیری فناوری‌های نوین و کانال‌های ارائه خدمات

۱. تایم شرینگ دربردارنده مالکیتی است که از خرید دوره مشخصی از زمان یا درصد مشخصی از استفاده یک محل اقامتی در یک خانه یا منطقه تفریحی به‌دست می‌آید.

(از فضای مجازی گرفته تا خدمات برخط و شبکه‌های اجتماعی) که به‌طور مستقیم بر بخش خدمات و نهاد خانوار و در نهایت اشتغال، درآمد و تولید ناخالص داخلی تأثیرگذار است.

- با توجه به توسعه فناوری‌های نوین و نقش بی‌بدیل آن در توسعه شرکت‌های بزرگ خدمات محور (مانند شرکت‌های حمل و نقل، صنایع گردشگری، بیمه و بانک) می‌توان از طریق توسعه بخش خدمات و ایجاد کانال‌های ارتباطی آن با کسب و کارهای کوچک و کسب و کارهای خانگی هر دو نهاد خانوار و شرکتی را توسعه داد که سرانجام به توسعه و رشد کل اقتصاد منجر خواهد شد.

- در خصوص بخش کشاورزی که از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی کشور است، وقتی به رابطه متقابل آن با نهادها پرداخته می‌شود، متوجه وابستگی این بخش به نهاد خانوار می‌شویم، بنابراین، نتایج هر سیاستی در بخش کشاورزی بدون در نظر گرفتن ملاحظات نهاد خانوار احتمالاً با انحراف نامساعد همراه خواهد شد.

- مطالعات انجام‌شده در خصوص اثرگذاری توسعه مالی و رشد اقتصادی به رابطه علیت از سمت توسعه مالی به رشد اقتصادی (دیدگاه رهبری عرضه) اعتقاد دارند، به این معنا که سیاست‌گذاران با توسعه بخش مالی (از طریق افزایش سطح پس‌انداز، حجم سرمایه‌گذاری و بالابردن کارایی سرمایه‌گذاری) می‌توانند به رشد دست یابند، بنابراین، سیاست‌گذاران باید به ایجاد و ارتقای مؤسسه‌های مالی مانند بانک‌ها، مؤسسات اعتباری و بازارهای سرمایه، به‌منظور پیشرفت واقعی اقتصاد بیشتر توجه کنند.

- پیشنهاد می‌شود مدیران و مسئولان مرتبط در حوزه سیاست‌گذاری با اعطای تسهیلات به بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران، به‌منظور رشد و توسعه و کمک به تأمین مالی این بنگاه‌ها، با طراحی و تدوین نظام اعتبارسنجی کارآمد که بتواند اطلاعات اتکاپذیری از میزان ریسک و اعتبار آنها در اختیار نظام بانکی قرار داده و موجب کاهش عدم تقارن اطلاعات بین این دسته از بنگاه‌ها و بانک‌ها شود؛ افزون بر این، برنامه‌ریزی مناسب و ایجاد سازوکار مؤثر برای نظارت بر چگونگی هزینه‌کرد تسهیلات توسط وام‌گیرندگان براساس توافق انجام‌شده با بانک مربوطه و نیز چگونگی تخصیص منابع توسط بانک‌ها به بهبود تأمین مالی و رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران منجر شود.

منابع

- اخباری محمد و زیدی‌زاده سمیرا. (زمستان ۱۳۹۰). برآورد اندازه بهینه دولت در اقتصاد ایران با استفاده از تخمین منحنی آرمی. فصلنامه روند، شماره ۶۰.
- اداره حساب‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (اسفند ۱۳۹۹). حساب‌های ملی ایران به تفکیک بخش‌های فعالیتی و نهادی اقتصاد بر مبنای نظام حساب‌های ملی ۲۰۰۸ به قیمت‌های جاری و ثابت سال پایه ۱۳۹۵.
- آذرمند، حمید. (پاییز و زمستان ۱۳۸۵). نقش نهادهای سیاسی و حقوقی در توسعه اقتصادی. فصلنامه روند، شماره ۵۰ و ۵۱.
- آقا نظری، حسن. (بهار ۱۳۹۵). تبیین چیستی نهاد و استلزامات آن در علوم اجتماعی. فصلنامه علمی - پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۸۶، صص ۱۴۳-۱۵۷.
- امین‌رشتی، ناریس و اصغری، لیلا. (پاییز ۱۳۹۰). بررسی نقش هزینه‌های سلامت بر توزیع درآمد در ایران. فصلنامه علوم اقتصادی، شماره ۱۶.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، (۳ مهر ۱۴۰۱). هند در مسیر جذب یکصد میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی.
- خیری، نصیبه و نیک‌بین، بهنام. (دی ماه ۱۳۹۸). نقش بخش خدمات در رشد و توسعه اقتصادی. مرکز پژوهش‌های اتاق ایران.
- دژپسند، فرهاد و بخارایی، ریحانه. (۱۳۹۵). بررسی رابطه توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران. فصلنامه اقتصاد، شماره ۳۴.
- دستجردی، داود و همکاران. (تابستان ۱۴۰۰). ناطمینانی نرخ سود تسهیلات و تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط منتخب پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار. نشریه مدیریت دارایی و تأمین مالی، شماره ۳۳.
- زمان‌زاده، حمید. (۲۲ مرداد ۱۳۸۸). اندیشه نهادگرایی و نهادگرایان جدید. روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۱۸۶۹.

- سلمانی، بهزاد و محمدی، علیرضا. (تابستان ۱۳۸۸). بررسی اثر مخارج بهداشتی دولت بر رشد اقتصادی ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال سیزدهم، شماره ۳۹، صص ۹۳-۷۳.
- صادقی، سید کمال. (زمستان ۱۳۹۳). بررسی رابطه بلندمدت بین مخارج آموزشی بهداشتی امنیت و رفاه اجتماعی و رشد اقتصادی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی. فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره هشتاد.
- کشاورز محمدی، نسترن؛ زارعی، فاطمه و پارسی‌نیا، سعید. (تابستان ۱۳۹۲). آموزش بهداشت و ارتقای سلامت در ایران: گذشته، حال و آینده. پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، دوره ۱، شماره ۲.
- کیان‌پور، سعید. (آذر و دی ۱۳۸۸). بررسی خصوصی‌سازی در چند کشور منتخب. مجله بررسی‌های بازرگانی، شماره ۳۸.
- لعلی، محمدرضا. (۱۳۹۰). بخش نهادی در اقتصاد ایران و ضرورت اصلاحات ساختاری آنها در برنامه‌های توسعه. فصلنامه روند، شماره ۵۸.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی. (۵ تیر ۱۴۰۰). دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه بهداشت و سلامت. کد خبر ۶۹۴۳.
- معلمی، مژگان؛ قاسمی، محمدرضا و کریم‌زاده، هدایت. (بهار و تابستان ۱۳۹۳). اندازه بهینه دولت از منظر دستیابی به حداکثر رفاه اقتصادی در ایران. فصلنامه اقتصاد پولی، شماره ۷.
- میرشجاعی، فخری. (۱۳۸۸). سازماندهی تولید. مجموعه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۳۵.
- هوشمندگهر، سعیده. (آذر ماه ۱۴۰۱). مشوق‌های سرمایه‌گذاری چین و درس‌هایی برای ایران. روزنامه تعادل.

- Arrow, K J. (1986). The Behavioral Foundations of Economic Theory. The Journal of Business, Vol 59, No 4.
- An official Website of the United States Government. (August 2020). The 2020 Annual Update of the National Income and Product Accounts. Volume 100, Number 8.
- Davis, Peter. (July 2012). Let Business do Business: The Role of the Corporate Sector in International Development. Working Paper Overseas Development Institute.
- Gill, Indermit. (2021). At your Service? Developing Economies bet on Service Industries for Growth. World Bank Blogs.
- <http://hdr.undp.org/en/2019> HDR Report, United Nations Development Programme
- [http://www.un.org/National Account Statistics: Main Aggregate and Details Tables, 2019](http://www.un.org/NationalAccountStatistics)
- [http:// worldbank.org](http://worldbank.org) / Growth of Service Sector Beyond Economic Growth /second edition
- [http:// worldbank.org](http://worldbank.org) World development Indicators
- McBride, William. (Jan 2015). America's Shrinking Corporate Sector Fiscal Fact. No. 444.
- The Importance of Services., <https://courses.lumenlearning.com>

